

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

سید ملک

۳۱ اگست ۲۰۲۰



سید ملک

همین حالا که ساعت یک ونیم بجه شب به وقت اروپا است، از مهمانی یکی از دوستان برگشتم و این شعر "سیدای کروخی" به یادم آمده و از آن استقبال کردم. چون ناوقت شب است اگر نقابصی داشته باشد، معذورم.  
"سیدای کروخی" می گوید:

"همچو غنچه دلتنگم ساقیا مدارا کن  
جرعه ای به کامم ریز غنچه دلم واکن"

مرحومی در جنگ با قاجارها شهید شد و شب قبل از شهادت می گوید:

سیدا چه می نالی وقت رفتن است امشب...

ناگفته نماند که دوست ما چه آشک و بولانی آماده کرده بود، ولی می دانست که من به خوردن علاقه ندارم، چون

چند بار تلیفون کرد آخر به شوخی گفتم:

گر به بغداد لقمه ای باشد ... ما ازینجا سر بجنبانیم.

خلاصه رفتم و بعد از برگشت از شعر "کروخی" استقبال نموده و می گویم:

## جهان طوفانی

سینه سوز هجرانیم با لبی مداوا کن

یا به ساحلی پا کش یا که سینه دریا کن

دلشکسته ایم آخر، تو مرا دل آسا کن

تا دلم شود آرام چهره ات هویدا کن

پا بنه به این صحرا لاله را تماشا کن

به نمی شویم هرگز ای طبیب زپهلوی خیز

این جهان طوفانی جان خسته میبلعد

پرمزن به این وادی آهم آتش افروز است

ابرموی خود برکش سینه چاک خود بنگر

لاله زار این سینه داغ جوش هجران است

چونکه محشر جنست گرم کرده بازارت  
اشک چشم من جیحون کشتی دلم پر خون  
حال بسملت بنگر می تپد به خون خویش  
جوش غیرتم بنگر پای خود به دامن کش

گرناری امروز وقت وعده ای به فردا کن  
تو بیا باین کشتی سیل موج دریا کن  
از سرکرم آخر چشم خویشتن واکن  
بعد رفتن از دنیا هرچه خواهی بی ما کن